



رابطه شیوه‌های فرزندپروری (استبدادی، آزادگذار و منطقی) با موفقیت تحصیلی در دانش

آموزان مقطع متوسطه

فاطمه خلیلی^۱

چکیده

هدف از انجام پژوهش حاضر، بررسی رابطه شیوه‌های فرزندپروری (استبدادی، آزادگذار و منطقی) با موفقیت تحصیلی در دانش آموزان مقطع متوسطه شهر تهران است. روش پژوهش، توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری این پژوهش را کلیه دانش آموزان دختر متوسطه مقطع دوم شهر تهران در سال ۱۳۹۹ تشکیل دادند، که از میان آنها، تعداد ۲۵۷ نفر با روش نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش عبارت بودند از: پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری (بامریند، ۱۹۹۱) و موفقیت تحصیلی (صالحی، ۱۳۹۲) که همگی از اعتبار و پایایی قابل قبولی برخوردار بودند. تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده از اجرای پرسشنامه‌ها از طریق نرم‌افزار SPSS در دو بخش توصیفی و استنباطی (آزمون همبستگی پیرسون، و رگرسیون چندگانه) انجام پذیرفت. نتایج نشان داد که بین سبک اقتدار منطقی با موفقیت تحصیلی رابطه مثبت معنادار وجود دارد. بین شیوه فرزندپروری مقتدرانه و سبک آزادگذار با موفقیت تحصیلی رابطه مثبت معنادار وجود دارد. بنابراین از آنجایی که خانواده و الگوی تربیتی آن نقش مهمی در شکل‌گیری عادات و رفتارهای فرزندان دارد، به نظر می‌رسد تحول در شیوه‌های فرزندپروری بتواند به عنوان یکی از عوامل افزایش موفقیت تحصیلی فرزندان باشد.

واژگان کلیدی: شیوه‌های فرزندپروری، موفقیت تحصیلی، دانش آموزان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ ارشد مشاوره، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران (نویسنده مسئول) fatemehkhalili.1396@gmail.com



مقدمه

خانواده نخستین پایگاهی است که پیوند بین کودک و محیط اطراف او را به وجود می‌آورد و کودک در خانواده پندارهای اولیه را در مورد جهان فرا می‌گیرد، از لحاظ جسمی و ذهنی رشد می‌یابد، هنجارهای اساسی رفتار را یاد می‌گیرد و سرانجام نگرش‌ها، اخلاق و روحیاتش شکل گرفته و آن را در ارتباط با محیط، در عمل و در برقراری ارتباط با دیگران نشان می‌دهد، بنابراین شیوه رفتار والدین، به خصوص مادران با فرزندان می‌تواند در رشد و سلامت جسمانی و روان شناختی کودک اثر گذارد (گراسکی و جانکوواسکا^۱، ۲۰۲۰). به عبارت دیگر شیوه فرزندپروری و کیفیت رابطه والد-کودک اثر معناداری روی شاکامی، بهزیستی و پیشرفت و موفقیت تحصیلی افراد دارد. شیوه فرزندپروری، عاملی تعیین کننده و اثرگذار است که نقش مهمی را در آسیب شناسی روانی و رشد کودکان ایفا می‌کند (دیاکونو-گراسیم و میارین^۲، ۲۰۱۶). فرزندپروری به روش‌ها و رفتارهای ویژه گفته می‌شود که جداگانه یا در تعامل با یکدیگر بر رشد کودک تاثیر می‌گذارند. در واقع، پایه و اساس شیوه فرزندپروری بیانگر تلاش‌های والدین برای کنترل و اجتماعی کردن کودکانشان است (فیلیپس، کونرز و کورتتر-اسمیت^۳، ۲۰۱۷). نوع برخورد والدین در قالب و رفتارهای متنوع، بهنجار و طبیعی که به منظور کنترل و اجتماعی کردن فرزند خود به کار می‌برند، سبک‌های فرزندپروری نامیده می‌شود (لی، چیو، کویی، زاو و لی^۴، ۲۰۱۸). به طور کلی در جامعه با سه نوع سبک خانواده روبرو هستیم: والدین دارای اقتدار و قاطع، والدین مستبد و والدین سهل‌گیر. بر اساس نظریه‌های بامریند^۵ (۱۹۹۱)، اریکسون^۶ (۱۹۹۴) و شiffer^۷ (۱۹۹۶) دو بعد در تربیت فرزندان اهمیت دارد: پذیرش در برابر طرد کردن و سخت‌گیری در برابر آسان‌گیری. در واقع شیوه‌هایی که مادران برای تربیت کودک خود انتخاب می‌کنند تا حدودی بستگی به عقایدشان درباره رشد و خصوصیات که به اعتقاد آنان لازم است کودک کسب کند دارد (بروسنان، کولوبینسکی و اسپادا^۸، ۲۰۲۰). بر اساس این دو بعد ۴ شیوه فرزندپروری وجود داد: شیوه استبدادی که از نظر پذیرش و روابط نزدیک پایین، از نظر کنترل اجباری بالا و بسیار محدودکننده هستند (یانگ و ژائو^۹، ۲۰۲۰). روش مقتدرانه کنترل سازگارانه و استقلال دادن مناسب را شامل می‌شود والدین مقتدر صمیمی و دلسوز و نسبت به نیازهای کودک حساس هستند (تقی‌لو، ۱۳۹۶). شیوه سهل‌انگارانه مهرورز و پذیرا هستند ولی متوقع نیستند و شیوه بی‌اعتنا، پذیرش و روابط خوب کم را با کنترل کم و بی‌تفاوتی کلی نسبت به استقلال دادن ترکیب می‌کند. والدین در این شیوه از لحاظ هیجانی کناره‌گیر و جدا هستند (مافتی، هولمن و کارلیگ^{۱۰}، ۲۰۲۰). پورسینا، احمدی و شفیع‌آبادی (۱۳۹۲)، پژوهشی تحت عنوان تاثیر شادکامی بر اضطراب، پیشرفت تحصیلی و ارتباط والد-فرزندی در دانش‌آموزان دختر انجام دادند. نتایج نشان داد که مداخله به روش شادکامی و مثبت‌اندیشی، بر مولفه‌های اضطراب آشکار، اضطراب پنهان و پیشرفت تحصیلی تاثیر داشته است. همچنین آموزش شادکامی بر ارتباط والد-فرزندی مادر موثر بوده، ولی بر رابطه والد-فرزندی پدر اثری نداشته است. با توجه به این که شادکامی به سادگی در زندگی قابل استفاده است به عنوان یک روش مناسب و اثربخش در کاهش اضطراب و افزایش پیشرفت تحصیلی معرفی می‌شود که ممکن است موجب بهبود روابط والد فرزند نیز بشود. همچنین نتایج پژوهش زهره‌ای (۱۳۸۹) نشان داد که شیوه فرزندپروری مستبدانه با اضطراب اجتماعی، اجتناب اجتماعی و ترس از ارزیابی منفی و نیز با موفقیت تحصیلی رابطه منفی داشت. شیوه فرزندپروری مقتدرانه با موفقیت تحصیلی رابطه مثبت داشت. شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه با موفقیت

¹ - Gralowski & Jankowska

² - Diaconu-Gherasim & Măirean

³ - Phillips, Connors & Curtner-Smith

⁴ - Lei, Chiu, Cui, Zhou, & Li

⁵ - Baumrind

⁶ - Ericsson

⁷ - Shiffer

⁸ - Brosnan, Kolubinski & Spada

⁹ - Yang & Zhao

¹⁰ - Maftai, Holman & Cârlig



تحصیلی رابطه معناداری نداشت. آکا و گنکوز^۱ (۲۰۱۴) در پژوهش خود در مورد روابط میان حمایت دریافت شده از سوی والدین برای رفع نیازها، شادکامی نوجوانان برای تحصیلات و بهزیستی آنان پرداختند. نتایج نشان داد که حمایت والدین می‌تواند برای رفع نیازهای بهزیستی نوجوانان را پیش بینی کنند و میزان شادکامی نوجوانان را افزایش دهند. استیل و مک کنی^۲ (۲۰۱۸)، نیز در پژوهش خود نشان می‌دهند که سبک فرزندپروری قاطعانه رابطه خوبی با سطح بالای موفقیت تحصیلی و مهارت‌های مطالعه دارد.

یکی از عوامل مرتبط با شیوه‌های فرزندپروری والدین در دانش آموزان، موفقیت تحصیلی است. معیارهای اصلی کارایی هر نظام آموزشی به ویژه نظام آموزش و پرورش میزان موفقیت تحصیلی و ایجاد نگرش‌ها و باورهای مثبت در دانش آموزان است (یانگین ارسانل^۳، ۲۰۱۵). نظریه‌های جدید آموزش و یادگیری بر نقش انگیزش و باورهای فرد تاکید زیادی می‌کنند و معتقدند که نباید دانش آموز را در برابر مطالب و مفاهیم قرار داد، بلکه باید با آموزش‌های لازم دانش آموزان را به فعالیت واداشت و از این طریق هم باعث موفقیت تحصیلی و هم باعث ایجاد، نگرش، شادکامی و باور مثبت در آنان شد (جاکوبز، بیمیش و مک کی^۴، ۲۰۲۰). موفقیت تحصیلی به معنای توانایی اثبات موفقیت در اکتساب پیامدی است که برای آن طرح ریزی و برنامه ریزی شده است (گولدنر، فوئربرون و مرل^۵، ۲۰۲۰). موفقیت تحصیلی از مهمترین دغدغه‌های نظام آموزشی و نشان دهنده موفقیت نظام آموزشی در زمینه هدف یابی و توجه به رفع نیازهای فردی می‌باشد. بنابراین نظام آموزشی را زمانی می‌توان موفق و کارآمد دانست که موفقیت تحصیلی دانش آموزان آن به بیشترین و بالاترین رقم برسد (فولادی، کجاف و قمرانی، ۱۳۹۷). مهمترین نشانه موفقیت نظام آموزشی در رسیدن به اهداف، میزان موفقیت تحصیلی دانش آموزان می‌باشد. دانش آموز با کسب موفقیت تحصیلی مورد تایید و پذیرش همسالان، معلمان و والدین قرار می‌گیرد و شادکامی و احساس کفایت و لقاییت او بیشتر می‌شود. در مقابل فرد با شکست تحصیلی به توانایی و کفایت خود شک می‌کند و احساس بی‌کفایتی، بی‌لیاقتی و حقارت می‌کند و از ادامه تحصیل و یادگیری باز می‌ماند (ازر و اکگان^۶، ۲۰۱۵؛ فان و نگو^۷، ۲۰۱۴). در همین رابطه داتو، کینگ و والدز^۸ (۲۰۱۷)، پژوهشی تحت عنوان رابطه بین پاداش‌های تحصیلی و شادکامی به عنوان پیش‌پیش بینی‌کننده‌های موفقیت تحصیلی در دانش آموزان انجام دادند. نتایج نشان داد که بین پاداش تحصیلی و موفقیت تحصیلی در دانش آموزان رابطه مثبت معنادار وجود دارد. همچنین بین شادکامی و موفقیت تحصیلی رابطه مثبت بود. به عبارتی پاداش تحصیلی و شادکامی می‌توانند میزان موفقیت تحصیلی در دانش آموزان را پیش‌بینی کنند.

در این مطالعه محقق علاقه مند به بررسی رابطه میان تجارب کودکی از شیوه‌های فرزندپروری والدین و اثرات آن بر موفقیت تحصیلی دانش آموزان است. فرض محقق بر این است که با تعیین تاریخچه شیوه‌های فرزندپروری تاثیر حاضر این تجربیات بر موفقیت تحصیلی می‌تواند افزایش یابد چرا که پژوهش‌ها حاکی از آن هستند که شیوه‌های فرزندپروری صفاتی ایستا نیستند؛ رفتارها، انتخاب‌ها و تعاملات سالم قابل حدوث می‌باشند (فینتی، پاسمور و پترسون^۹، ۲۰۱۲)؛ ادراک نادقیق فرزندپروری به محض شناسایی قابل تغییر می‌باشند. بدین ترتیب با این رویکرد که در فرآیند درک تجربیات کودکی، متخصصان می‌توانند والدین را در شکستن چرخه‌های مختل کمک کرده و نزدیکی هیجانی را تقویت نمایند تا فرد به والدینی بهتر برای فرزندان خویش تبدیل شوند، لذا، پژوهش حاضر قصد دارد تا در نهایت به این سوال کلی پاسخ دهد که بین شیوه‌های فرزندپروری (استبدادی، آزادگذار و منطقی) با موفقیت تحصیلی دانش آموزان متوسطه چه رابطه‌ای وجود دارد؟

1 - Aka & Gencoz

2 - Steele & McKinney

3 - Yangin Ersanl

4 - Jacobs, Beamish & McKay

5 - Gueldner, Feuerborn & Merrell

6- Ozer & Akgun

7 - Phan & Ngu

8 - Datu, King & Valdez

9 - Feeney, Passmore & Peterson



روش‌شناسی

روش پژوهش برحسب هدف، کاربردی؛ برحسب زمان اجرای پژوهش، مقطعی؛ برحسب نوع داده، کمی، برحسب روش گردآوری داده‌ها و یا ماهیت و روش پژوهش، توصیفی-همبستگی می‌باشد. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانش آموزان دختر متوسطه مقطع دوم شهر تهران در سال تحصیلی ۱۳۹۹، که مشغول به تحصیل بودند، تشکیل دادند. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای استفاده شد به این صورت که ابتدا از بین مناطق ۲۲ گانه شهر تهران ۴ منطقه انتخاب و از هر منطقه ۲ دبیرستان دخترانه سپس از هر مدرسه کلاس‌های دوم به طور تصادفی انتخاب شد و طبق فرمول کوکران ۲۵۷ دانش آموز انتخاب گردیدند و به پرسشنامه‌ها پاسخ دادند. جهت رعایت اصول اخلاقی ابتدا به کلیه آزمودنی‌ها در مورد هدف مطالعه توضیح داده شد. سپس بیان خواهد شد که نیازی به نوشتن نام در پرسشنامه‌ها نبوده و صرفاً کدگذاری استفاده شد و به این شکل محرمانه بودن و حفظ آنها و تحلیل جمعی اطلاعات مطرح شد. در پایان شماره تماس ارائه شد تا افرادی که تمایل به دستیابی به نتایج پرسشنامه‌ها داشته باشند با تماس از نتایج پرسشنامه خود آگاه شوند.

ابزارهای پژوهش:

پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری بامریند (۱۹۹۱): این پرسشنامه بر اساس نظریه بامریند، برای بررسی الگوهای نفوذ و شیوه‌های فرزندپروری ساخته شده است. این پرسشنامه شامل ۳۰ ماده است که ۱۰ ماده آن به شیوه آزادگذاری مطلق، ۱۰ ماده به شیوه استبدادی و ۱۰ ماده دیگر به شیوه اقتدار منطقی والدین در امر پرورش فرزند مربوط می‌شوند. در این پژوهش آزمودنی باید شیوه ادراک فرزندپروری والدین خود را با مطالعه هر ماده، با علامت بر حسب یک مقیاس ۵ درجه‌ای (کاملاً مخالفم، مخالفم، تقریباً مخالفم، موافقم و کاملاً موافقم) مشخص کند که به ترتیب از صفر تا ۴ نمره گذاری شده و با جمع نمرات، ۳ نمره مجزا در مورد آزادگذاری مطلق، استبدادی و اقتدار منطقی برای هر آزمودنی به دست می‌آید. بوری (۱۹۹۱) میزان پایایی این پرسشنامه را با روش بازآزمایی ۰/۸۱ برای آزادگذاری، ۰/۸۵ برای استبدادی و ۰/۹۲ برای اقتدار منطقی پدران گزارش نمود. در پژوهش جعفرزاده و همکاران (۱۳۹۴) ضریب اعتبار پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری بامریند ۰/۹۳۴ برای اقتدار منطقی و ۰/۹۱۰ برای شیوه استبدادی و ۰/۸۹۰ برای شیوه آزادگذاری به دست آمد.

پرسشنامه موفقیت تحصیلی صالحی (۱۳۹۲): این پرسشنامه توسط صالحی در سال ۱۳۹۲ طراحی شد. این ابزار دارای ۲۰ گویه است که با استفاده از مقیاس ۶ درجه‌ای لیکرت از یک تا شش نمره گذاری می‌شود. نمره این ابزار با جمع کردن نمره گویه‌ها بدست می‌آید (دامنه نمرات بین ۲۰ تا ۱۲۰ قرار دارد) و هر چه نمره آزمودنی بیشتر باشد، موفقیت تحصیلی وی بیشتر است. روایی محتوایی و صوری ابزار توسط ۸ تن از استادان دانشگاه اصفهان پس از ۲ بار اصلاح تایید شد. علاوه بر آن روایی ابزار به روش همسانی درونی یعنی همبستگی هر گویه با کل ابزار مناسب گزارش شد. همچنین پایایی ابزار با روش‌های آلفای کرونباخ و بازآزمایی دو هفته‌ای به ترتیب ۰/۸۴ و ۰/۸۱ برآورد شد.

تجزیه و تحلیل اطلاعات به‌دست آمده از اجرای پرسشنامه‌ها از طریق نرم افزار spss20 در دو بخش توصیفی و استنباطی (همبستگی پیرسون، رگرسیون چندگانه) انجام پذیرفت.

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی مقیاس‌های پژوهش در جدول (۱) آورده شده است.

جدول ۱. یافته‌های توصیفی خرده‌مقیاس‌های پژوهش

مقیاس	شاخص آماری	میانگین	انحراف استاندارد
سبک آزادگذار		۲۹.۹۶	۳.۳۱
سبک استبدادی		۲۷.۴۹	۳.۱۵
سبک اقتدار منطقی		۳۰.۰۱	۴.۵۰



نتایج جدول ۱ نشان می دهد در شیوه های فرزندپروری بیشترین میانگین مربوط به سبک اقتدار منطقی است.

جدول ۲. نتایج رگرسیون عوامل شیوه های فرزندپروری بر موفقیت تحصیلی

مدل	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	R	R^2	$adj R^2$	sig
رگرسیون	۶۶۶۳.۱۹	۳.۰۰	۲۲۲۱.۰۶	۲۶.۴۹	.۴۸	.۲۳	.۲۲	.۰۰۱
باقیمانده	۲۱۲۱۵.۲۸	۲۵۳.۰۰	۸۳.۸۶					
کل	۲۷۸۷۸.۵۷	۲۵۶.۰۰						

همان طور که در جدول مشاهده می شود مقدار sig کمتر از ۰/۰۵ شده است و نشان از معنی دار بودن مدل رگرسیون می باشد، یعنی حداقل یکی از متغیرهای پیش بین بر متغیر ملاک تاثیر معنادار دارد.

شاخص R^2 (ضریب تعیین چندگانه): این شاخص مشخص می کند که چند درصد از تعییرات متغیر ملاک توسط متغیرهای پیش بین تبیین می شوند به عبارت دیگر متغیرهای پیش بین چند درصد توانایی برآزش متغیر وابسته را دارند. در این پژوهش مقدار R^2 برابر ۰/۲۳ شده است به این معنا که عوامل شیوه های فرزندپروری ۲۳ درصد توانایی پیش بینی موفقیت تحصیلی را دارند و ۷۷ درصد باقیمانده مربوط به سایر عوامل می باشد.

شاخص $adj R^2$ (ضریب تعیین تصحیح شده): این شاخص توانایی پیش بینی متغیر وابسته را توسط متغیرهای پیش بین در جامعه بررسی می کند در واقع با کمی تعدیل، نمونه را به تمام جامعه بسط می دهد. مقدار این ضریب در این پژوهش ۰/۲۲ شده است، به عبارت دیگر مولفه های شیوه های فرزندپروری ۲۲ درصد توانایی پیش بینی موفقیت تحصیلی را دارند. با توجه به معنادار بودن کل مدل اکنون باید بررسی کرد که کدام یکی از ضرایب صفر نیست و یا به عبارت دیگر کدام متغیر یا متغیرها تاثیر معنادار در مدل دارند. به این منظور از آزمون t استفاده می شود.

جدول ۳. ضرایب استاندارد، غیراستاندارد و آماره تی متغیرهای وارد شده در معادله رگرسیون

سطح معناداری مورد نظر	sig	آماره t	ضرایب رگرسیون		متغیر پیش بین
			استاندارد نشده	استاندارد شده	
.۰۵	.۰۰۰۱	۴.۳۵	۳۴.۳۳	مقدار ثابت	
.۰۵	.۰۹۸	.۰۰۲	.۰۰۱	سبک استبدادی	
.۰۵	.۰۰۰۱	-۲.۹۱	-.۰۱۶	سبک آزادگذار	
.۰۵	.۰۰۰۱	۷.۷۴	.۰۴۴	سبک اقتدار منطقی	

همان طور که نتایج جدول ۳ نشان می دهد عوامل سبک اقتدار منطقی و سبک آزادگذار با موفقیت تحصیلی در سطح ۵ درصد رابطه معنادار دارند. در نهایت معادله استاندارد رگرسیون را باید بامتغیرهایی در نظر گرفت که تاثیر معناداری بر مدل دارند و متغیرهایی که تاثیر معنادار بر مدل ندارند از معادله رگرسیون حذف می شود.

نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف رابطه شیوه های فرزندپروری (استبدادی، آزادگذار و منطقی) با موفقیت تحصیلی در دانش آموزان مقطع متوسطه انجام شد. نتایج نشان داد که عوامل سبک اقتدار منطقی و سبک آزادگذار با موفقیت تحصیلی در سطح ۵ درصد رابطه معنادار دارند. نتایج بدست آمده با پژوهش های سرپولکی و کلاهی (۱۳۹۵)، جعفرزاده و همکاران (۱۳۹۴) همسو می باشد. نتایج تحقیقات آنان نشان داد که بین سبک فرزندپروری مقتدرانه با موفقیت تحصیلی و شادکامی رابطه منفی



معنادار وجود دارد. همچنین نتایج حاصل با یافته های پژوهشی آنولا و همکاران (۲۰۰۰) نشان دادند بین شیوه تربیتی والدین با میزان موفقیت تحصیلی و شادکامی نوجوانان ارتباط وجود دارد، نیز مطابقت دارد. در راستای نتایج بدست آمده زهره ای (۱۳۸۹)، پژوهشی تحت عنوان رابطه بین شیوه های فرزندپروری، اضطراب اجتماعی و موفقیت تحصیلی انجام داد. نتایج نشان داد که شیوه فرزندپروری مستبدانه با اضطراب اجتماعی، اجتناب اجتماعی و ترس از ارزیابی منفی و نیز با موفقیت تحصیلی رابطه منفی داشت. شیوه فرزندپروری مقتدرانه با موفقیت تحصیلی رابطه مثبت داشت. شیوه فرزندپروری سهل گیرانه با موفقیت تحصیلی رابطه معناداری نداشت. در تبیین این یافته می توان گفت که روش تربیتی روشی است که والدین ترکیب متعادلی از پذیرش و کنترل را در برخورد با فرزندان به کار ببندند. به زغم آنولا (۲۰۰۰) تشویق مثبت و مداوم فرزندان در شیوه تربیتی مقتدرانه ممکن است موجب افزایش انگیزه درسی نوجوانان در جهت موفقیت تحصیلی شود. به علاوه در این شیوه والدین رفتار مستقل را در نوجوانان تقویت می کنند و با آموزش و حمایت و الگو بودن برای فرزندان، راه کارهای دستیابی به موفقیت را در آنها تقویت می نمایند. به عبارتی اقتدار منطقی والدین به طور معنی داری با تعهد والدین در امور تحصیلی دانش آموزان و تشویق دانش آموزان مرتبط است. این الگوی ارتباط این نکته را تایید می کند که رابطه بین شیوه اقتدار منطقی والدین و موفقیت های تحصیلی دانش آموزان، قابل اسناد به سطوح بالای تعهد و الزام درگیری والدین و تشویق های تربیتی آنها که از مشخصات والدین دارای اقتدار منطقی است، می باشد. در مقابل والدین استبدادی فاقد ویژگی های ذکر شده می باشند. میزان سبک فرزندپروری سهل گیر هم بعد از سبک مقتدرانه بالاتر بود. در این زمینه نیز چنین مطرح می شود که حمایت و پاسخدهی والدین می تواند عامل موثری در موفقیت تحصیلی تلقی شود. والدین سهل گیر توجهی به نمرات درسی فرزندان خود ندارند و یا اگر دارند واکنش منفی در برابر آن نشان می دهند، هیچگونه نظم و قاعده ای برای اوقات فراغت و مدت زمان تماشای تلویزیون فرزندان در نظر نمی گیرند و بر انجام تکالیف درسی فرزندان نظارتی ندارند و آنها را کنترل نمی کنند (سرپولکی و کلاهی، ۱۳۹۵). از سویی کنترل کم والدین سبب می شود فرزندان احساس نمایند که می توانند به هر طریقی عمل کنند و چارچوب هایی نیز برای آنها اعمال نمی شود، در نتیجه عامل باعث می شود که نسبت به تکالیف خود بی تفاوت بوده و کوشا نباشند. بنابراین با توجه به این که سبک فرزندپروری مقتدرانه با بیشترین میزان موفقیت تحصیلی در ارتباط بود لذا آگاهی والدین در این زمینه می تواند باعث ارتقا موفقیت تحصیلی فرزندان شود (ماکسیمو و کارانزا، ۲۰۱۶). به عبارتی والدین دارای اقتدار منطقی در درجه بالایی از گرم بودن برخوردارند و به نیازهای عاطفی و روانی فرزندان پاسخ داده و بیشتر پذیرنده فرزندان خود هستند در مقابل والدین دارای شیوه استبدادی فاقد این خصوصیات هستند (دونیتا و ماریا، ۲۰۱۵). همچنین در تبیین دیگر نتایج بدست آمده می توان گفت والدین منطقی که پاسخگوی احساسات و عواطف فرزندان خود هستند و از پیشرفت تحصیلی آنان حمایت می کنند، نقش موثر در موفقیت تحصیلی و شادکامی فرزندان خود دارند اما والدین سهل گیر توجهی به نمرات درسی فرزندان خود ندارند و یا اگر دارند واکنش منفی در برابر آنان نشان می دهند و بر انجام تکالیف درسی فرزندان نظارتی ندارند و آنها را کنترل نمی کنند. والدین استبدادی نیز با کنترل بیش از حد و گرمی کم سبب می شوند فرزندان مضطرب و ناسازگار باشند. در مجموع شیوه فرزندپروری استبدادی و سهل گیرانه به سبب رعایت نکردن اعتدال، آثار نامطلوبی بر تربیت فرزندان دارد. از این رو با قاطعیت می توان گفت که شیوه های مناسبی برای تربیت و هدایت فرزندان نیستند ولی شیوه منطقی با ویژگی های مثبت فراوان تضمین کننده پرورش توانایی ها و رساننده فرزندان به خودکوفایی و کمال است.

از محدودیت های پژوهش می توان به این موارد اشاره کرد: این پژوهش به صورت مقطعی انجام شده است. به این دلیل، نتیجه گیری درباره علیت را دشوار می سازد. در این پژوهش تنها از پرسشنامه استفاده شده است و ابزار مشاهده و مصاحبه استفاده نشده است. با توجه به نتایج پژوهش حاضر پیشنهاد می شود در زمینه آموزش روش های فرزندپروری مثبت به والدین کوشش هایی از طرف دست اندرکاران آموزش و پرورش و سایر نهادهای ذیربط صورت گیرد تا از عواقب بعدی شیوه های فرزندپروری ناسالم جلوگیری شود. این امر به نوبه خود می تواند در شکل گیری زمینه شادکامی فرزندان و رسیدن به



موفقیت تحصیلی نیز موثر باشد. داشتن فرزندان سالم و شاد در آینده باعث ایجاد جامعه ای سالم و شاد خواهد شد. همچنین پیشنهاد می شود والدین با حساسیت و مهربانی بیشتری به نیازها و اشارات دانش آموزان توجه کنند که این امر امنیت عاطفی، استقلال، توانش اجتماعی و موفقیت تحصیلی را افزایش می دهد. همچنین والدین باید به هنگام تلاش برای اجتماعی کردن فرزند خود در جهت سالم بودن، پذیرفته شدن و شاد بودن به عنوان عضوی از جامعه تشویق شوند تا بتوانند به فرزندان خود آزادی بیشتری داده و روابط بهتری را با آنها برقرار کنند.

منابع

- پورسینا، مریم؛ احمدی، خدابخش و شفیع آبادی، عبدالله. (۱۳۹۲). اثربخشی شادکامی بر اضطراب، پیشرفت تحصیلی و ارتباط والد فرزندی در دانش آموزان دختر. *مجله خانواده و پژوهش*، ۱۰ (۳)، ۴۱-۵۴.
- تقی لو، صادق. (۱۳۹۶). مطالعه شیوه های فرزندپروری ادراک شده نوجوانان بر اساس جنسیت و سن آنان. *فصلنامه خانواده پژوهی*، ۱۱ (۵۱)، ۴۴۷-۴۵۹.
- جعفرزاده، ناصر؛ فرخی، نورعلی و سهرابی اسمرود، فرامرز. (۱۳۹۴). رابطه شیوه های فرزندپروری و تاب آوری با شادکامی دانش آموزان. *فصلنامه روان شناسی تربیتی*، ۳۷ (۱۱)، ۶۷-۸۱.
- زهره ای، هاجر. (۱۳۸۹). *رابطه بین شیوه های فرزندپروری، اضطراب اجتماعی و موفقیت تحصیلی*. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه سمنان.
- سرپولکی، بیتا و کلاهی، پریسا. (۱۳۹۵). بررسی رابطه شادکامی، ویژگی های شخصیتی و شیوه های فرزندپروری مادران با سلامت روان فرزندان. *فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی*، ۲ (۴)، ۱-۸.
- Aka, B. T., & Gencoz, T. (2014). Perceived parenting styles, emotion recognition and regulation in relation to psychological well-being. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 159, 529-533.
- Brosnan, T., Kolubinski, D. C., & Spada, M. M. (2020). Parenting styles and metacognitions as predictors of cannabis use. *Addictive behaviors reports*, 11, 100259.
- Datu, J. A. D., King, R. B., & Valdez, J. P. M. (2017). The academic rewards of socially-oriented happiness: Interdependent happiness promotes academic engagement. *Journal of school psychology*, 61, 19-31.
- Diaconu-Gherasim, L. R., & Măirean, C. (2016). Perception of parenting styles and academic achievement: The mediating role of goal orientations. *Learning and Individual Differences*, 49, 378-385.
- Doinita, N. E., & Maria, N. D. (2015). Attachment and parenting styles. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 203, 199-204.
- Fan, J., & Zhang, L. F. (2014). The role of perceived parenting styles in thinking styles. *Learning and Individual Differences*, 32, 204-211.
- Feeney, J.; Passmore, N.; Peterson, C. (2012). Adoption, attachment, and relationship concerns: A study of adult adoptees. *Personal Relationships*, 14, 129-147
- Gralewski, J., & Jankowska, D. M. (2020). Do parenting styles matter? Perceived dimensions of parenting styles, creative abilities and creative self-beliefs in adolescents. *Thinking Skills and Creativity*, 38, 100709.
- Gueldner, B. A., Feuerborn, L. L., & Merrell, K. W. (2020). *Social and emotional learning in the classroom: Promoting mental health and academic success*. Guilford Publications.
- Jacobs, P., Beamish, W., & McKay, L. (2020). Please listen to us: Adolescent autistic girls speak about learning and academic success. *Improving Schools*, 1365480220973112.
- Lei, H., Chiu, M. M., Cui, Y., Zhou, W., & Li, S. (2018). Parenting Style and Aggression: A



- Meta-Analysis of Mainland Chinese Children and Youth. *Children and Youth Services Review*, 94, 446-455.
- Maftai, A., Holman, A. C., & Cârlig, E. R. (2020). Does your child think you're happy? Exploring the associations between children's happiness and parenting styles. *Children and Youth Services Review*, 115, 105074.
- Maximo, S. I., & Carranza, J. S. (2016). Parental attachment and love language as determinants of resilience among graduating university students. *Sage Open*, 6(1), 2158244015622800.
- Ozer, E. A., & Akgun, O. E. (2015). The effects of irrational beliefs on academic motivation and academic self-efficacy of candidate teachers of computer and instructional technologies education department. *Journal of Social and Behavioral Sciences*, 197, 1287-1292
- Phillips, B. A., Connors, F., & Curtner-Smith, M. E. (2017). Parenting children with down syndrome: An analysis of parenting styles, parenting dimensions, and parental stress. *Research in developmental disabilities*, 68, 9-19.
- Steele, E. H., & McKinney, C. (2018). Emerging adult psychological problems and parenting style: Moderation by parent-child relationship quality. *Personality and Individual Differences*.
- Yang, J., & Zhao, X. (2020). Parenting styles and children's academic performance: Evidence from middle schools in China. *Children and Youth Services Review*, 113, 105017.
- Yangin Ersanl, C. (2015). The relationship between students' academic selfefficacy and language learning motivation: a study of 8th graders. *Journal of Social and behavioral Science*, 199, 472-478.